

پژوهشنامه اندیشه معاصر

سال دوم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۸، صفحات ۸۱-۶۳

## تبارشناسی شناسی موضوع خلع سلاح و کنترل تسلیحات در روابط بین‌الملل

سید محسن سجادی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۳۰

### چکیده

یکی از موضوعات مهم و کلیدی در عرصه بین‌الملل، مسئله خلع سلاح و کنترل تسلیحات بوده است. مفاهیم یاد شده به لحاظ مفهومی واجد ماهیتی جدال برانگیز می‌باشند. از منظری زبان شناسانه و با بهره ای آزادانه از ترمینولوژی نظریات سوسور پدر زبان شناسی نوین، می‌توان گفت دال خلع سلاح و کنترل تسلیحات به مدلول‌های نسبتاً گوناگون ارجاع داده می‌شود.

در این پژوهش نقطه آغاز کاوش و جستجو کنفرانس‌های لاهه در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۲ است. از منظر نگارنده و بسیاری از پژوهشگران؛ دوران مذکور، دوران تولد گفتمان خلع سلاح در عرصه‌ی روابط بین‌الملل می‌باشد. از این رو بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های ارائه شده در کنفرانس‌های لاهه را نقطه عطف در این زمینه می‌انگارند. در این راستا نگارنده به تبعیت و پیروی از اسلاف خویش نقطه تبارشناسی را آغاز کنفرانس‌های لاهه می‌گذارد.

واژگان کلیدی: خلع سلاح، کنترل تسلیحات، روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران

<sup>۱</sup>. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی صلح و امنیت و حقوق بشر دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

## مقدمه

هانس مورگنتا<sup>۱</sup>، پدر علم روابط بین‌الملل در کتاب سیاست میان ملت‌های<sup>۲</sup> خود به ما می‌گوید هیچ تعریف مانع و جامعی از خلع سلاح و کنترل تسلیحات وجود نداشته است (Morgenthau, 1985:34). با این حال، مورگنتا در تعریف خلع سلاح می‌گوید: «خلع سلاح عبارت است از کاهش یا نابودی میزان معینی یا حتی تمام تسلیحات به منظور پایان دادن به مسابقه ی تسلیحاتی». سپس وی تمایزی بین مفهوم خلع سلاح و کنترل تسلیحات ایجاد می‌نماید. وی بیان می‌کند که خلع سلاح متضمن نابودی نسبی یا مطلق تسلیحات است و مفهوم کنترل تسلیحات به تنظیم قوانین و مقررات در جهت سامان بخشی به مسابقه تسلیحاتی ارجاع داده می‌شود (Morgenthau, 1985:34). بر این اساس و با توجه به این که در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات قراردادهای، موافقتنامه‌ها و ترتیباتی گوناگونی بدست آمده است؛ در این قسمت به علت اینکه اکثر این اقدامات در قالب دو نهاد مهم تأمین کننده صلح و امنیت بین‌الملل (جامعه ملل و سازمان ملل) به وقوع پیوسته است. اهم این اقدامات توسط نهادهای مذکور مطرح می‌گردد و قبل از آن توضیح مختصری از کنفرانس‌های لاهه ارائه می‌شود.

۱. کنفرانس‌های صلح لاهه<sup>۳</sup>

اولین کنفرانس‌هایی که در زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات برگزار گردید. دو کنفرانس لاهه در سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ بود. این کنفرانس‌ها را می‌توان بیانگر آرمانی صلح جویانه دانست که برای اولین بار مسئله محدود سازی تسلیحات و جلوگیری از مسابقات ویرانگر تسلیحاتی را در سطح سیاسی نزد افکار جهانی مطرح ساخت. بر این اساس پیشنهاد تشکیل کنفرانسی برای برقراری صلح پایدار و واقعی و جلوگیری از توسعه روز افزون تسلیحات در ۱۱ ژانویه ۱۸۹۹ مطرح و متعاقب آن کنفرانسی با شرکت ۲۶ کشور در لاهه تشکیل شد؛ اما کنفرانس مذکور به جای خلع سلاح به تدوین دو قرارداد در مورد مقررات جنگی پرداخت و طی اعلامیه‌هایی تنها استفاده از چند نوع سلاح را ممنوع نمود. با این حال، کنفرانس لاهه به عنوان اولین اقدام عملی در عصر مسافر در زمینه خلع سلاح شناخته شده است. پس از این کنفرانس، کنفرانس‌های دوم و سوم لاهه نیز برگزار شد، اما در بحث خلع سلاح چندان موفق نبودند. چرا که با شروع جنگ جهانی اول تمام کوشش‌های مربوط به تقلیل تسلیحات فراموش گردید و جنگ جهانی اول خود به نقطه عطفی در گسترش هر چه بیشتر سلاح‌های پیشرفته تبدیل شد. چنان که ذکر شد این کنفرانس‌ها را می‌توان بیانگر آرمان صلح

<sup>1</sup> Hans Morgenthau

<sup>2</sup> Politics Among Nations

<sup>3</sup> Hauge Peace Conferences

جویانه دانست که اولین بار مسئله تحدید سلاح‌های نظامی و جلوگیری از مسابقات ویرانگر تسلیحاتی را در سطح سیاسی نزد افکار جهانی مطرح کرد (ابراهیمی، ۱۳۸۰: ۴۹).

## ۲. جامعه ملل و خلع سلاح

بعد از خلع سلاح آلمان بر طبق معاهده ورسای<sup>۱</sup> توسط قدرت‌های بزرگ بعد از جنگ جهانی اول، مسئله خلع سلاح و کنترل تسلیحات به طور مستقیم در میثاق جامعه ملل مورد توجه قرار گرفت. از نقطه نظر محققان حقوق بین‌الملل حاکمیت اندیشه‌های لیبرالیستی در صحنه‌ی روابط بین‌الملل متعاقب جنگ جهانی اول و تدوین میثاق بر اساس اعلامیه ۱۴ ماده‌ای ویلسون نقش مهمی در گنجاندن ماده ۸ به میثاق جامعه ملل داشت. بر مبنای ماده ۸ میثاق جامعه ملل: «اعضای جامعه ملل تشخیص می‌دهند که حفظ صلح و حمایت از آن مستلزم کاهش تسلیحات ملی به پایین‌ترین سطح ممکن و اجرای تعهدات مشترک بین‌المللی است». به علاوه اعضای جامعه ملل به مبادله کامل و صریح اطلاعات پیرامون حوزه‌ی تسلیحاتی، برنامه‌های نظامی، دریایی و هوایی و وضعیت صنایع نظامی ایشان می‌شوند (مدنی، ۱۳۵۲: ۲۰-۲۱). بر مبنای بند ۳ ماده ۸ میثاق، در راستای تحقق اهداف مزبور شورای جامعه ملل موظف به بررسی اعمال محدودیت‌هایی برای کشورها بود. همچنین تجاوز از حدود مقرر شده بدون موافقت شورا ممنوع بود و در این زمینه شورای جامعه ملل ماموریت داشت از تهیه ذخایر و مهمات جنگی در کارخانجات خصوصی ممانعت نماید و اعضا موظف به آگاهی‌سازی دیگران از برنامه نظامی خود بودند. به منظور اجرای این مقررات، کمیسیون مشورتی دائمی متشکل از نمایندگان دول عضو شورای جامعه ملل تشکیل شد. به علاوه کمیسیون تلفیقی موقتی جهت بررسی ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسائل فوق تأسیس گردید (بلوچی، ۱۳۸۲: ۴۲).

## اقدامات جامعه ملل

علیرغم اینکه جامعه ملل به عنوان عالیترین نهاد در زمینه صلح و امنیت دوران کوتاهی را سپری نمود، لیکن دستاوردهای ارزشمندی در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات داشته که اهم آنها بدین شرح است:

### بند اول - پیش‌نویس معاهده همیاری ۱۹۲۳

اولین تلاش برای خلع سلاح شکل بیش‌نویس معاهده همیاری به خود گرفت. این پیش‌نویس را کمیسیون مختلط موقتی که مسئول تحقیق درباره خلع سلاح بود در ۱۹۲۳ تسلیم مجمع جامعه ملل کرد. در این پیش‌نویس پیشنهاد شده بود که ظرف چهار روز از آغاز خصومت‌ها شورای جامعه ملل متجاوز را شناسایی کند و بعد از آن اعضای جامعه ملل به خودی خود ملزم به دادن کمک نظامی برای مقابله با متجاوز خواهند شد. خلاصه اینکه پیش‌نویس حاوی این نظریه فرانسوی‌ها بود که امنیت مطلق باید مقدم بر خلع سلاح باشد. بریتانیا و قلمروهای بریتانیا، همچنین هلند و کشورهای

<sup>1</sup> Treaty of Versailles

اسکاندیناوی، آن را رد کردند، گرچه فرانسه و اکثر متحدانش به گرمی از آن استقبال کردند، اما در پاییز ۱۹۲۴ که اریو و مک دانلد در ژنو با یکدیگر ملاقات کردند راه میانه‌ای در قالب پروتکل ژنو برگزیده شد و حاصل این ملاقات تهیه پروتکل ۱۹۲۴ ژنو بود (بلوچی، ۱۳۸۴: ۴۳ - ۴۲).

### بند دوم - پروتکل ۱۹۲۴ ژنو<sup>۱</sup>

این پروتکل مبنی بر منع جنگ و تعیین متجاوز بود که با مخالفت دولت‌ها عقیم ماند. امضاکنندگان پروتکل تعهد می‌کردند که در کنفرانس خلع سلاح که از سوی شورای جامعه ملل در ۱۵ ژوئن ۱۹۲۵ در ژنو تشکیل می‌شد، شرکت کنند. در این فاصله، شورا موظف بود برنامه‌ای برای کاهش و محدودیت تسلیحات برای تصویب کنفرانس تنظیم کند. پروتکل تنها پس از تصویب طرح عمومی کاهش تسلیحات از طرف کنفرانس لازم الاجرا می‌شد و اگر شورا متوجه می‌شد که این طرح اجرا نمی‌شود، می‌توانست پروتکل را باطل اعلام کند (والترز، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

### ۳. کنوانسیون ۱۹۲۵ ژنو<sup>۲</sup>

این کنوانسیون در مورد تجارت اسلحه و متعاقب آن کنوانسیون نظارت بر تجارت اسلحه و مهمات در زمان جنگ بود. علیرغم تهیه پیش نویس این کنوانسیون، به دلیل مخالفت دولت‌ها با ابعاد مختلف آن این کنوانسیون نهایی نشد (بلوچی، ۱۳۸۴: ۴۴ - ۴۳).

### بند سوم - پروتکل ۱۹۲۵ ژنو<sup>۳</sup>

پروتکل ممنوعیت به کارگیری سلاح‌های خفه کننده، سمی یا سایر گازها و روش‌های میکروبی در جنگ، معروف به پروتکل ژنو تلاشی در جهت جهانی کردن ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی تلقی می‌شود که در کنوانسیون دوم لاهه ۱۹۰۷ به شکل محدود و بصورت توافق میان امضا کنندگان کنوانسیون در ارتباط با یکدیگر ممنوع شده بود. بر اساس مواد مقدماتی پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی دیدگاه عمومی جهان متمدن محکوم گردیده است. بر اساس سایر بندهای مقدماتی این پروتکل بایستی ممنوعیت این سلاح‌ها در کنوانسیون‌ها و توافقاتی پیشین به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل که وجدان و عملکرد دولت‌ها را به آن متعهد می‌نماید، شناخته شود. همزمان با اجرایی شدن پروتکل ژنو در ۱۹۲۸، تحول عظیمی در روابط بین‌الملل و در نتیجه آن در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل رخ داد؛ و آن پذیرش ناکارآمدی جنگ به عنوان ابزار مناسبی برای تحقق اهداف سیاسی بود؛ که در بعد حقوقی با انعقاد پیمان بریان کلوگ به ممنوعیت جنگ جنبه رسمی و قراردادی بخشید (ظریف و سجاد پور، ۱۳۹۳: ۵۹۶).

<sup>1</sup> The Geneva Protocol for the Pacific Settlement of *International Disputes*

<sup>2</sup> The Geneva Convention of 1925 on Arms Trade

<sup>3</sup> Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating , Poisonous or Other Gases and of the Bacteriological methods of Warfare

### بند چهارم - پیمان بریان - کلوگ<sup>۱</sup>

این پیمان میان تعدادی از اعضای میثاق شامل: فرانسه، آلمان، بلژیک و انگلستان در سال ۱۹۲۸ به امضاء کشورهای ذیربط رسید. این پیمان با تاکید بر اصول میثاق جامع ملل به تقبیح جنگ بعنوان سیاست دولتها و طرد جنگ تجاوزکارانه پرداخت. همچنین بر اثر اقدام این پیمان و کمیسیون خلع سلاح ژنو بعضی از کشورهای اروپایی شروع به کاهش قوای نظامی خود نمودند. در این زمینه انگلستان به چند هزار سرباز رسمی بسنده نمود و فرانسه خدمت نظام را به یک سال کاهش داد (زندفر، ۱۳۷۷: ۱۱۰).

### بند پنجم - پیمان عمومی ۱۹۲۸

کوشش دیگر مجمع برای تقویت حل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی بود و در واقع متمم بر "پیمان بریان - کلوگ" به شمار می‌رفت که در ۲۷ اوت ۱۹۲۸ میان وزرای امور خارجه فرانسه و آمریکا در پاریس به امضاء رسیده بود. این پیمان که حدود شصت کشور به آن پیوستند، جنگ را به عنوان سیاست ملی طرد می‌کرد و از دولتها می‌خواست تا اختلاف‌های خود را تنها از راه‌های مسالمت آمیز حل و فصل کنند. "پیمان عمومی" بر خلاف طرح‌های پیشین که در زمینه خلع سلاح مطرح گردیده بود، به مرحله اجرا درآمد و این امر نیز به نوبه خود به صورت تمام و کمال صورت پذیرفت. در هر صورت، بیست و سه کشور به پیمان عمومی ۱۹۲۸ پیوستند و این پیمان تنها سند در نوع خود بود که قدرت اجرایی پیدا کرد (زندفر، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

### بند ششم - کنفرانس جهانی خلع سلاح<sup>۲</sup>

اولین کنفرانس جهانی در سال ۱۹۳۲ با حضور نمایندگان بیش از ۶۰ کشور جهان از جمله ایران تحت نظارت جامعه ملل در ژنو تشکیل شد. خواسته اصلی این کنفرانس عدم افزایش توان تسلیحات کشورها به مدت یکسال بود که چند ماه نیز تمدید شد. حاصل کار کنفرانس از طریق گروه‌های کاری و تخصصی ارائه پیش نویس یک کنوانسیون بین‌المللی بود. بر این اساس جنگ بار دیگر تقبیح شد و جلوگیری و مقابله با تجاوز مدنظر قرار گرفت. کاهش نیروهای نظامی، تسلیحات و هزینه‌های نظامی از دیگر موارد توافق و مندرج در این کنفرانس بود. از دیگر موضوعات مهم پیش بینی شده تشکیل کمیسیون دائمی خلع سلاح به منظور نظارت و تأیید پایبندی اعضاء نسبت به مقررات آن و اعمال وظایف اجرایی بود. کنفرانس علاوه بر تمرکز بر ابعاد نظامی تعارضات میان کشورها به ترویج مسائلی از قبیل آموزش و ارتقا سطح آگاهی بعنوان پیش شرط مهمی در دستیابی به خلع سلاح تاکید می‌کرد. اما با وجود اختلاف‌های زیادی که میان این کشورها وجود داشت و هم چنین قدرت گرفتن احزاب فاشیست در ایتالیا و آلمان، پایان خوشی برای آن متصور نبود و عاقبت نیز چنین شد و با وجود پشتیبانی کشورهای کوچک و بزرگ از جمله ایران، با خروج آلمان از این کنفرانس در ژوئن ۱۹۳۴،

<sup>1</sup> Brian Kellog Pact

<sup>2</sup> Pact of Paris (1928)

<sup>3</sup> World Disarmament Conference

این کنفرانس در عمل شکست خورد و بطور رسمی در سال ۱۹۳۶ بنا به تصمیم شورای جامعه ملل به کار خود پایان داد (بلوچی، ۱۳۸۴: ۴۵).

### بند هفتم- ارزیابی عملکرد جامعه ملل پیرامون خلع سلاح و کنترل تسلیحات

با پایان جنگ جهانی اول و تولد گفتمان ویلسونیسیم در عرصه روابط بین‌الملل، مسئله خلع سلاح اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. در این رابطه اصل چهارم ویلسون به ارائه تضمین‌های کافی مبنی بر اینکه تسلیحات کشورها در حداقل میزان لازم برای امنیت ملی آنها باشد، اشاره می‌کند. همین موضوع در بند ۲ ماده ۸ میثاق جامعه ملل گنجانیده شد و شورای جامعه ملل موظف به بررسی محدودیت اعمالی برای کشورها شد. همچنین اقدامات مهم دیگر در چارچوب جامعه ملل انجام شد. پروتکل ۱۹۲۵ ژنو در جهت تکمیل کنفرانس دوم لاهه برآمد. بر مبنای این پروتکل کاربرد سلاح‌های شمیایی ممنوع گردید. اما مهمترین اقدام در این رابطه پیمان بریان-کلوگ بود. بموجب این پیمان دولتهای عضو رسماً اعلام داشتند که توسل به جنگ برای حل اختلافات بین‌المللی را محکوم و جنگ را به عنوان ابزار سیاست ملی، در روابط شان، تقبیح کنند و آنان نیز متعهد می‌شدند اختلافات و منازعات شان را تنها از راه‌های مسالمت آمیز حل و رفع نمایند.

برخلاف میثاق، پیمان بریان-کلوگ حق توسل به جنگ را از دولت‌ها سلب کرد؛ اما به رغم این منع، از مفاد پیمان و شرایط همراه آن می‌توان دریافت که جنگ در مواردی قانونی شناخته شده بود، نظیر دفاع از خود، اقدام جمعی برای اجرای تعهدات بین‌المللی پذیرفته شده در اسناد موجود، اختلاف میان دولتهای عضو و غیر عضو پیمان، و سرانجام اقدام علیه عضوی که با نقض پیمان به جنگ متوسل می‌شد. به این ترتیب، پیمان در عمل، جنگ را لغو نکرد، بلکه فقط توسل به آن را با استثنائاتی منع نمود. پیمان بریان-کلوگ به اقدامات تجاوزکارانه اشاره نمی‌کند، اما می‌توان استدلال کرد که غیر قانونی شناختن جنگ به مثابه ابزار سیاست ملی بطور ضمنی به معنی منع جنگ تجاوزکارانه است. چنان که ذکر شد اولین کنفرانس جهانی در مقیاس وسیع در ارتباط با خلع سلاح در سال ۱۹۳۲ تشکیل شد و ضرورت توجه به اقدامات آموزشی در کنار اقدامات تقنینی مورد توجه قرار گرفت. در مجموع بدلیل حاکمیت فضای آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل در بین سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۶ کشورها تمایل زیادی برای انجام اقدامات عملی در حوزه خلع سلاح را داشتند. اما به تدریج و با قدرت گرفتن فاشیست‌ها در ایتالیا و آلمان و در نهایت آغاز جنگ جهانی دوم ایده‌های آرمان‌گرایانه در این حوزه اهمیت خود را از دست داد؛ و با تأسیس سازمان ملل و ظهور گفتمان واقع‌گرایی اقدامات جدید در این حوزه آغاز گردید که عمدتاً بازتاب دهنده گفتمان مسلط در دوران جنگ سرد بوده است. در این بخش به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

### ج) سازمان ملل متحد و خلع سلاح

در ماده ۱۱ منشور ملل متحد که تبیین کننده اختیارات مجمع عمومی است، توصیه پیرامون اصول کلی همکاری در حوزه‌ی خلع سلاح به عنوان یکی از وظایف مجمع عمومی مورد توجه قرار گرفته است. مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی منجمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار داده و توصیه‌هایی را در مورد اصول مذکور به اعضا یا شورای امنیت یا هر دو ارائه نماید (مدنی، ۱۳۵۴: ۲۸). این احتیاط در منشور ملل متحد، حتی در تعیین وظایف شورای امنیت در حوزه خلع سلاح نیز به چشم می‌خورد. در حالی که منشور در سایر موارد مربوط به مسئولیت شورای امنیت با لحن قاطعانه برخورد می‌کند، احتیاط مندرج در ماده ۱۱ به شکل قابل توجهی در ماده ۲۶ منشور در خصوص اختیارات شورای امنیت در حوزه خلع سلاح تکرار شده و وظیفه شورا صرفاً به تقدیم طرح‌هایی به اعضای آن محدود شده است. به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی با کمترین انحراف منابع انسانی و اقتصادی جهان به سمت تسلیحات، شورای امنیت با کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ طرح‌هایی برای ایجاد یک سامانه تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم خواهد کرد (ظریف و سجادیپور، ۱۳۹۳: ۵۹۹).

#### د) اقدامات ملل متحد

در پنج سال آغازین سازمان ملل مسئله خلع سلاح در چارچوب دو کمیسیون انرژی اتمی و سلاح‌های متعارف قرار داشت و سپس نهادها و ترتیباتی تأسیس و موافقتنامه‌هایی بدست آمد. اهم آنها به شرح ذیل می‌باشد:

##### بند اول: کمیسیون انرژی اتمی<sup>۱</sup>

در اولین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ موضوع خلع سلاح مورد بررسی قرار گرفت. مجمع عمومی با صدور قطعنامه‌ای کمیسیون انرژی اتمی را به منظور تهیه پیشنهادهای لازم در خصوص کنترل و استفاده صلح جویانه از انرژی اتمی و انهدام سلاح‌های اتمی و همچنین ایجاد نظام بین‌الملل کنترل و بازرسی تأسیس نمود (مدنی، ۱۳۵۴: ۲۹). در همین سال ایالات متحده آمریکا طرحی را به منظور تأسیس یک سازمان بین‌المللی در زمینه انرژی هسته‌ای ارائه نمود. این طرح که به طرح باروخ<sup>۲</sup> معروف گشت، وظایف مهمی از جمله بازرسی، نظارت و کنترل فعالیت‌های هسته‌ای را برای سازمان بین‌المللی پیشنهادی در نظر گرفت. در این طرح اختیارات و وظایف وسیعی برای سازمان در نظر گرفته شده بود، لیکن از منظر شوروی طرح باروخ مغایر با حاکمیت دولت‌ها بوده است. به علاوه از منظر شوروی به واسطه این طرح موازنه قوا به سمت آمریکا حرکت می‌کرد (مدنی، ۱۳۵۴: ۳۵).

در مقابل شوروی طرحی را ارائه کرد. طبق این طرح که به طرح گرومیکو معروف گشت، می‌بایستی به موجب یک قرارداد بین‌المللی ساخت و استفاده از سلاح‌های اتمی تحریم گردد و ظرف سه ماه بعد از لازم الاجرا شدن قرارداد کلیه

1. Unaited Nations Atomic Energy Commission.

2. Baruch Plan.

سلاح‌های اتمی نابود گردد. طرح اخیر با مخالفت غرب روبرو شد. چرا که در صورت اجرایی شدن توافق ایالات متحده مزیت نظامی خود را در حوزه ی نظامی از دست می‌داد و با توجه به تفوق شوروی در حوزه ی سلاح‌های متعارف، موازنه قدرت به سمت شوروی حرکت می‌کرد. با توجه به اختلافات میان شرق و غرب کمیسیون اخیر در سال ۱۹۵۲ منحل شد (گنجی، ۱۳۵۵: ۱۱۴).

### بند دوم: کمیسیون تسلیحات غیر اتمی (متعارف)<sup>۱</sup>

شورای امنیت سازمان ملل در فوریه ۱۹۴۷ بر اساس پیشنهاد مجمع عمومی، کمیسیون سلاح‌های متعارف را تأسیس کرد. اعضای کمیسیون صرفاً شامل کشورهای عضو شورای امنیت می‌شدند. وظیفه کمیسیون تهیه پیشنهادهای مربوط به کاهش تسلیحات غیر اتمی و نیروهای نظامی همراه با تأسیس و پایه گذاری نظام بین‌المللی بازرسی و کنترل بود. کمیسیون تسلیحات متعارف همانند کمیسیون انرژی اتمی صحنه ی رقابت ایالات متحده آمریکا و شوروی بود. و پیشنهادهای یک طرف همواره با مخالفت طرف دیگر مواجه می‌شد. سرانجام کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۵۲ بدون هیچ گونه دستاورد ملموس به فعالیت‌های خود پایان داد (موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۹۷).

### بند سوم: کمیسیون خلع سلاح<sup>۲</sup>

با توجه به ناکامی دو کمیسیون انرژی اتمی و تسلیحات متعارف و لزوم رسیدگی توأمان به موضوع محدودیت‌ها بر سلاح‌های اتمی و متعارف موجبات تشکیل کمیسیون خلع سلاح فراهم گشت. در نتیجه کمیسیون خلع سلاح در سال ۱۹۵۲ توسط مجمع عمومی و تحت نظارت شورای امنیت تأسیس و انحلال دو کمیسیون قبلی اعلام شد. کمیسیون خلع سه وظیفه عمده داشت: ۱. کشف و رسیدگی کلیه تسلیحات از جمله سلاح‌های اتمی و همچنین قوای مسلح؛ ۲. تنظیم مقررات پیرامون کلیه تسلیحات و قوای مسلح؛ ۳. تدوین و تنظیم برنامه‌ای جهت عملی ساختن خلع سلاح عمومی و کامل.

### بند چهارم: کمیته فرعی کمیسیون خلع سلاح

در سال ۱۹۵۲ مجمع عمومی پیشنهادی را به کمیسیون خلع سلاح مبنی بر ایجاد کمیته فرعی در جهت اجتناب از اختلافات شرق و غرب به منظور کمک به ایجاد توافق میان کشورهای بزرگ در زمینه خلع سلاح ارائه کرد. کمیسیون خلع سلاح در نهایت در سال ۱۹۵۴ کمیته مورد نظر مجمع را با عضویت کشورهای بزرگ آمریکا، انگلستان، فرانسه، شوروی و کانادا تأسیس کرد. در مجموع از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۷ این کمیته پنج اجلاس را برگزار کرد. مهمترین وظیفه ی این کمیته بیش تر معطوف به زمینه سازی برای ایجاد توافق و برقراری اعتماد متقابل شرق و غرب بود. لیکن طرح‌های شرق و غرب یکی پس از دیگر با مخالفت طرف مقابل روبرو می‌شد. در واقع شرایط حاکم بر جنگ سرد و همچنین اوضاع

1. Commission for Conventional Armaments.

2. UN Disarmament Commission.



و احوال سیاسی و بین‌المللی مانع توفیق و دستاوردی برای این کمیسیون شد. در نهایت به علت عدم حضور اتحاد جماهیر شوروی در جلسات کمیسیون و کمیته فرعی در سال ۱۹۵۷ این کمیسیون و کمیته منحل شدند (UN and Disarmament, 1970:64-66).

### بند پنجم: آژانس بین‌المللی اتمی<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۵۳ آیزنهاور رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در نطقی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهادی تحت عنوان "اتم برای صلح" را مطرح کرد و از کلیه کشورها خواست با همکاری یکدیگر از ذخایر اورانیوم خود برای مقاصد صلح جویانه استفاده نمایند. وی معتقد بود که این امر نیز به نوبه ی خود از بکاربردن این ذخایر در جهت و اهداف نظامی جلوگیری خواهد کرد. در نهایت در سال ۱۹۵۷ و با اقداماتی که در سازمان ملل متحد انجام شد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تأسیس گردید (UN and Disarmament, 1970:64-66).

مقر آژانس در وین است؛ و وظیفه آن توسعه و ترویج فناوری سالم، امن و صلح آمیز هسته‌ای است. این نهاد در عین استقلال از سازمان ملل متحد براساس قراردادی دارای ارتباط ویژه با سازمان ملل متحد بوده و دارای اساسنامه خاص خود است که در ۱۳ اکتبر ۱۹۵۶ تصویب و در ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ لازم الاجرا گردید. فعالیتهای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بیش تر در حوزه کمک به استفاده صلح آمیز کشورها از انرژی هسته‌ای متمرکز بوده است. در این حوزه دو محور اساسی سلامت و امنیت هسته‌ای و همکاری فنی صلح آمیز از وظایف اساسی آژانس است. حوزه سوم فعالیت آژانس که بدلیل حجم تبلیغات جهانی به اشتباه تنها وظیفه آژانس شناخته می‌شود حوزه نظارت و پادمان است، که براساس موافقتنامه‌های پادمان یا مقررات پروتکل الحاقی، تضمین عدم انحراف فعالیتهای صلح آمیز هسته‌ای کشورها مورد راستی آزمایی و بررسی قرار می‌گیرد (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۳۱).

### بند ششم: کمیسیون خلع سلاح جدید و کمیته خلع سلاح ده کشور<sup>۲</sup>

با توجه به عدم شرکت نمایندگان شوروی در جلسات کمیسیون خلع سلاح و کمیته فرعی آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۸ کمیسیون خلع سلاح جدید را با حضور تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد تأسیس نمود. از سوی دیگر در سال ۱۹۵۹ و همزمان با تشکیل اولین جلسه این کنفرانس، کمیته جدیدی پیرامون حوزه خلع سلاح با توافق ده کشور آمریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، کانادا، شوروی، لهستان، رومانی، بلغارستان و چکسلواکی تأسیس گردید. مهمترین پیشنهادات در این دوره خلع سلاح کامل و عمومی بود که توسط دو کشور ایالات متحده آمریکا و شوروی مطرح می‌شد (مدنی، ۱۳۵۲: ۶۵). سرانجام در ژوئن ۱۹۶۰ بعد از حادثه "یو ۲" و عدم تشکیل کنفرانس سران کشورهای بزرگ، پنج کشور اروپای شرقی تصمیم خود را در جلسات کمیسیون اعلام کردند و طرفهای

1. International Atomic Energy Agency.

2. Ten – Nations Committee on Disarmament.

غربی را به کارشکنی در جهت دستیابی به خلع سلاح کامل و عمومی متهم کردند. غرب نیز در مقابل کشورهای شرقی را متهم نمود که با برقراری نظام بین‌المللی نظارت و کنترل برای تضمین خلع سلاح عمومی و کامل مخالفت به عمل می‌آورد. البته بعدها کمیسیون خلع سلاح احیا گردید.

با اوج‌گیری نگرانی‌های جهانی در حوزه خلع سلاح، اولین اجلاس مجمع عمومی جهت رسیدگی به موضوع خلع سلاح در سال ۱۹۷۸ تشکیل شد؛ از مهم‌ترین تصمیمات آن علاوه بر تعیین و توافق بر هنجارهای کلی در حوزه خلع سلاح، تأسیس دو مکانیسم کمیسیون و کنفرانس خلع سلاح به عنوان زیر مجموعه‌های مجمع عمومی بود. اکنون کمیسیون خلع سلاح شامل کلیه اعضای سازمان ملل متحد است؛ که به مدت سه هفته در سال در فصل بهار تشکیل جلسه می‌دهد (مدنی، ۱۳۵۲: ۶۶). در ۲۰ دسامبر ۱۹۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا بر توافق بین آمریکا و شوروی در خصوص یک کمیته خلع سلاح هجده ملتی متشکل از آمریکا، ایتالیا، برزیل، برمه، رومانی، جمهوری متحد عربی، چکسلواکی، سوئد، شوروی، فرانسه، کانادا، لهستان، بلژیک، نیجریه و هندوستان صحنه گذاشت. در این کمیته آمریکا خواهان خلع سلاح تدریجی و شوروی خواهان خلع سلاح در کوتاه مدت بود. علی‌رغم اینکه این کمیته نتوانست خلع سلاح کامل و عمومی را محقق سازد، نقش برجسته‌ای در موافقت نامه تلفن مستقیم، معاهده منع آزمایش‌های جزئی و در نهایت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای داشت (UN and Disarmament, 1970:7-86).

#### بند هفتم: کنفرانس خلع سلاح<sup>۱</sup>

این کنفرانس جانشین سازوکارهای مختلف خلع سلاحی (کمیسیون خلع سلاح جدید و کمیته فرعی آن) است که با کمیته خلع سلاح در سال ۱۹۶۰ شروع شد و شامل کمیته هجده کشوری خلع سلاح<sup>۲</sup> - که فعالیت‌های آن اختصاص به سال‌های ۶۲ تا ۶۸ دارد- و کنفرانس کمیته خلع سلاح - که طی سال‌های ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۸ میلادی فعالیت داشته- می‌گردد (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۳۲). کنفرانس خلع سلاح در شکل کنونی آن در سال ۱۹۷۹ متعاقب تصمیم اولین اجلاس ویژه خلع سلاح مجمع عمومی در سال ۱۹۷۸ همراه با کمیسیون خلع سلاح تشکیل شد. مقر کنفرانس خلع سلاح در ژنو است. اعضای کنفرانس خلع سلاح محدودتر از اعضای کمیسیون هستند. ابتدا ۴۰ کشور در این کنفرانس عضویت داشتند؛ با توجه به روش پیچیده تصمیم‌گیری، تعداد اعضا ابتدا در یک مجموعه به هم پیوسته از ۲۱ کشور جدید به ۶۱ و سپس با ورود ۴ کشور دیگر به ۶۵ کشور افزایش یافت. کنفرانس خلع سلاح، پس از مذاکرات دشوار و طولانی ولی در نهایت موفق در مورد کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، مذاکرات پرتنش درباره معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای و پروتکل نظارت بر کنوانسیون سلاح‌های میکروبی، دچار بن بست شده است. عدم توافق اعضا در خصوص میزان الویت موضوعات باقی مانده، کنفرانس را با چالش‌هایی مواجه ساخته و از پیشرفت آن جلوگیری کرده است (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۳: ۶۲۹-۶۳۰).

<sup>1</sup> Conference on Disarmament

<sup>2</sup> Eighteen – Nation Committee on Disarmament.

### بند هشتم: معاهده منع آزمایش‌های جزئی<sup>۱</sup>

بر اساس توافقی که در تابستان ۱۹۶۲ بین آمریکا و شوروی انجام گرفت خط مستقیم تلفنی بین کاخ سفید و کرملین برقرار گردید که در مواقع ضروری برای جلوگیری از برخورد نظامی از آن استفاده شود. این قرارداد و همچنین اقدامات کمیته خلع سلاح زمینه را برای تصویب معاهد منع آزمایش‌های هسته‌ای در جو، فضا ماورای جو و زیر آب فراهم کرد. این معاهده در ۵ اوت ۱۹۶۳ توسط وزیران خارجه سه کشور آمریکا، انگلستان و شوروی در مسکو به امضاء رسید. طبق این موافقتنامه، آزمایش‌های هسته‌ای در روی زمین، بالای جو و زیر آب ممنوع شد. ولی همچنان آزمایش‌ها زیر زمینی همچنان می‌توانست ادامه پیدا کند. در ۱۶ اکتبر ۱۹۶۳ این معاهده به امضاء ۹۸ کشور دیگر سازمان ملل رسید و سپس هشت کشور غیر عضو معاهده آن را لازم الاجرا دانستند (UN and Disarmament, 1970:90-92).

### بند نهم: معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته ای<sup>۲</sup>

اواسط دهه ۶۰ میلادی نشست‌ها و کنفرانس‌های متنوعی پیرامون منع استفاده سلاح‌های هسته‌ای برگزار شد. این موضوع در دستورکار کمیته هجده خلع سلاح بود و سرانجام پس از مطالعه و بررسی گسترده در ۱۵ ژوئن ۱۹۶۵ کمیته خلع سلاح طی قطعنامه‌ای ضرورت انعقاد گسترش منع سلاح‌های هسته‌ای را اعلام داشت. در این رابطه کمیته هجده خلع سلاح اصولی را که دولت‌ها بایستی بر مبنای آن عمل نمایند را تهیه نمود. سرانجام در سال ۱۹۶۸ در کنفرانسی در ژنو با حضور نمایندگان بیش از نود کشور فاقد سلاح هسته‌ای و با نظارت چهار کشور دارنده سلاح هسته‌ای، بدون حق رای یک اعلامیه و چهارده توصیه نامه در جهت حفظ امنیت کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای و همچنین استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی تصویب شد و سپس تصمیمات این کنفرانس به شکل قطعنامه‌ای به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (UN and Disarmament, 1970:101-105).

مهم ترین اصول معاهده منع گسترش سلاح هسته‌ای بدین نحو می‌باشد: ۱. عدم انتقال مستقیم و غیر مستقیم سلاح هسته‌ای توسط کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای به کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای؛ ۲. عدم پذیرش سلاح هسته‌ای از سوی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای در صورت انتقال مستقیم و غیر مستقیم آن از جانب کشورهای دارای سلاح هسته‌ای؛ ۳. منع هر گونه تلاش و کوشش کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای به منظور دسترسی به سلاح‌های هسته‌ای؛ ۴. حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای برای همه کشورها؛ ۵. خلع سلاح هسته‌ای توسط دارندگان چنین سلاح‌هایی در آینده نامعلوم؛ ۶. همکاری میان کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای و همچنین کشورهای دارای سلاح هسته‌ای در جهت جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ساعد، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

### بند دهم: کنوانسیون سلاح‌های میکروبی<sup>۱</sup>

1. Partial Test Ban Treaty.

2. Non- Proliferation Treaty.

همان طور که توضیح داده شد پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تمایزی بین سلاح‌های شیمیایی و میکروبی قائل نشد. در سال ۱۹۷۲ به حسب درخواست گروهی از کشورها معاهدات مربوط به سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی از یکدیگر تفکیک گردید و کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های میکروبی و سمی و انهدام آنها در جریان کنفرانس خلع سلاح نهایی و برای امضاء آماده گردید و در ۲۶ مارس ۱۹۷۵ لازم الاجرا شد (ظریف و سجاد پور، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۱۷). بر اساس ماده اول این کنوانسیون، دولت‌ها موظف به عدم تولید، توسعه، انباشت و دستیابی به عوامل بیولوژیک برای اهداف غیر صلح آمیز و نیز سلاح و تجهیزات پرتابه مورد استفاده در جنگ با اهداف خصمانه هستند. بر طبق ماده دوم، دولت‌های عضو همچنین موظف‌اند حداکثر تا ۹ ماهه پس از اجرایی شدن کنوانسیون، نسبت به تخریب عوامل بیولوژیک، توکسینها، سلاح‌ها و تجهیزات پرتابه تحت مالکیت، قیمومیت یا تحت کنترل خود اقدام کنند. ماده سه، دولت‌های عضو را متعهد به عدم انتقال عوامل بیولوژیک، توکسینها، سلاحها، وسایل پرتابه و نیز عدم کمک، تشویق و یا وادار سازی سایر دول و سازمان‌ها، به ساخت یا دستیابی به این گونه عوامل می‌کند. ماده چهارم، دول عضو را همچنین متعهد به تدوین قوانینی جهت ممنوعیت با پیشگیری از توسعه، ساخت، انباشت و یا نگهداری عوامل، توکسینها، تجهیزات و وسایل پرتابه مندرج در ماده یک، در کشور خود و یا سرزمین تحت قیمومیت یا کنترل خود می‌کند.

گرچه این معاهده به تصویب رسیده است، اما فاقد هرگونه قابلیت و یا ضمانت اجرایی است و لذا گزارش‌های متعددی مبنی بر نقض پروتکل وجود دارد که سازوکاری برای برخورد با آنها وجود ندارد. به منظور رفع این نارسایی مذاکرات گسترده‌ای از دهه ۹۰ به دنبال تصویب کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی برای ایجاد سازوکار مشابه نظارتی در زمینه سلاح‌های میکروبی صورت گرفت که تا سال ۲۰۰۱ به طول انجامید؛ اما به دلیل اختلاف نظر کشورها به ویژه پافشاری آمریکا بر موضعی که نمی‌توانست مورد حمایت سایر کشورها باشد، با بن بست مواجه گردید و پس از آن تلاش جدی در این رابطه شکل نگرفت (ظریف و سجاد پور، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۱۷).

### بند یازدهم: کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی<sup>۲</sup>

گرچه پروتکل ژنو ۱۹۲۵ ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی را اعلام کرد، در جنگ جهانی دوم، جنگ ویتنام و جنگ عراق علیه ایران این سلاح‌ها بطور گسترده مورد استفاده قرار گرفت. استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ عراق علیه ایران و همچنین تهدید صدام حسین به استفاده از این سلاح‌ها علیه کویت باعث شد که محرکی برای مذاکره گسترده در این زمینه ایجاد نماید. از این رو مذاکرات در حوزه سلاح‌های شیمیایی در چارچوب کنفرانس خلع سلاح دنبال شد. در نهایت کنوانسیون ممنوعیت توسعه، تولید، انباشت و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها در نوامبر ۱۹۹۲ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. کنوانسیون متشکل از یک مقدمه، ۲۴

<sup>1</sup> Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling of Bacteriological and Toxin Weapons and on their Destruction (BWC)

<sup>2</sup> Convention on the Prohibition of the Development, Production, Stockpiling and Use of Chemical Weapons and on their Destruction (CWC)

ماده و سه ضمیمه است. ضمایم عبارتند از ضمیمه مواد شیمیایی، ضمیمه راستی آزمایی و ضمیمه حفاظت از اطلاعات طبقه بندی شده. مقدمه، مواد و سه ضمیمه به یک اندازه مهم و دارای ارزش قانونی و اجرایی هستند. مدت اعتبار کنوانسیون نامحدود است و ۱۸۰ روز (۶ ماه) بعد از ارائه شصت و پنجمین سند تصویب پارلمانی به دبیرکل سازمان ملل، لازم الاجرا می‌شود. مسئول اجرای کنوانسیون، سازمان منع سلاح‌های شیمیایی است و مقر آن در لاهه می‌باشد. در مقدمه کنوانسیون، اراده دولت‌های عضو نسبت به منع و امحا کلیه انواع تسلیحات دسته جمعی اعلام می‌گردد و با یادآوری پروتکل ۱۹۲۵ ژنو (در مورد منع استفاده از تسلیحات شیمیایی و میکروبی در جنگ) و کنوانسیون تسلیحات میکروبی ۱۹۷۲ (در مورد غیر قانونی بودن تسلیحات بیولوژیک و درخواست انهدام آنها)، این اسناد بین‌المللی را به عنوان قراردادهای چندجانبه و مهم برای کنوانسیون شیمیایی به شمار می‌آورد. مقدمه، همچنین منع استفاده از علف کش‌ها، به عنوان یک روش جنگی که در قراردادها و در اصول مربوطه در حقوق بین‌الملل آمده است را به رسمیت می‌شناسد، و آرزوی کشورهای عضو نسبت به توسعه و تحکیم اقتصادی و تکنولوژی را مورد تاکید قرار می‌دهد (ظریف و سجاد پور، ۱۳۹۳: ۶۱۳).

کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، ممنوعیت کامل استفاده، تولید، ذخیره سازی و توسعه سلاح‌های شیمیایی را در ماده نخست خود آورده است. در این ماده وظیفه کشورها برای نابودسازی این سلاح‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. کنوانسیون مزبور مانند کنوانسیون سلاح‌های میکروبی و معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای حق کشورها برای برخورداری از صنعت شیمیایی و نیز وظیفه کشورها برای همکاری در این حوزه جهت توسعه کشورها را به رسمیت شناخته است. شناسایی این حق به همراه تاکید بر وظیفه کشورها در همکاری برای صنایع صلح آمیز شیمیایی به کار رفته است، یکی از مزیت‌های این کنوانسیون به شمار می‌آید. از منظر حامیان این کنوانسیون، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی سازوکار اجرای قابل توجه و بسیار گسترده‌ای ایجاد کرده است که با اعلامیه‌هایی که دولت‌ها موظف به ارائه آن هستند نه تنها در حوزه تسلیحات بلکه در حوزه صنایعی که به نحوی می‌تواند برای تولید سلاح مورد مطالعه و استفاده قرار گیرد، آغاز می‌شود. از منظر حامیان آن نیز ابداع عمده کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی که زمینه ایجاد سازوکار مشابهی در معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای شده است، طراحی یک سازمان تحت عنوان سازمان جلوگیری از سلاح‌های شیمیایی<sup>۱</sup> می‌باشد. این سازوکارها شامل بازرسی‌های عادی<sup>۲</sup> در مقیاس گسترده و بازرسی اتهامی<sup>۳</sup> برای حصول اطمینان از فعالیت شیمیایی کشورها و جامع بودن اعلامیه‌های کشورها بویژه صنایع نظامی اعلام نشده در حوزه فعالیت‌های شیمیایی در نظر گرفته شده است (ظریف و سجاد پور، ۱۳۹۳: ۶۱۴-۶۱۶).

#### بند دوازدهم - معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Organization for the Prohibition of Chemical Weapons (OPCW)

<sup>۲</sup> Routine Inspection

<sup>۳</sup> Challenge Inspection

<sup>۴</sup> Comprehensive Test Ban Treaty

بسیاری از کشورها به مدت بیش از ۳۰ سال از زمان انعقاد معاهده منع محدود آزمایش‌های هسته‌ای از توقف کامل آزمایش‌های هسته‌ای حمایت کرده‌اند. موضوع اخیر در دستور کار مذاکرات خلع سلاح در مجمع عمومی و کنفرانس خلع سلاح بوده است. در این رابطه شوروی، آمریکا و انگلستان بر مبنای معاهده منع محدود آزمایش‌های هسته‌ای متعهد شدند که در جهت توقف کامل آزمایش‌ها سلاح‌های هسته‌ای تلاش نمایند. همچنین بر اساس ماده شش معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دولتهای دارای سلاح هسته‌ای متعهد می‌شوند که مذاکرات مربوط به تدابیر موثر مرتبط با توقف مسابقه هسته‌ای، خلع سلاح هسته‌ای و به بیان بهتر انعقاد معاهده‌ای پیرامون خلع سلاح عمومی و کامل را تحت نظارت دقیق و موثر بین‌المللی پیگیری نمایند. علی‌رغم تعهدات مزبور، دولتهای دارای سلاح‌های هسته‌ای از انعقاد چنین معاهده‌ای سر باز زدند. پیرامون موضوع اخیر کنفرانس خلع سلاح تا سال ۱۹۹۳ نتوانست مذاکراتی را درباره‌ی این موضوع در دستور کار خود قرار دهد (ساعد، ۱۳۷۹: ۶).

در راستای تحقق چنین هدفی معاهده منع جامع آزمایش‌های سلاح هسته‌ای بعنوان شرط اساسی توقف مسابقه سلاح‌های هسته‌ای و در نتیجه خلع سلاح عمومی شناخته شد. از این رو مذاکرات جدی برای گسترش معاهده منع محدود آزمایش‌ها هسته‌ای از ۱۹۹۳ در کنفرانس خلع سلاح به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد؛ تا ممنوعیت هرگونه آزمایش هسته‌ای به صورت جامع را مورد مذاکره قرار داده و آماده امضا کند. این مذاکرات به مدت سه سال در کنفرانس خلع سلاح ادامه یافت؛ اما به دلیل اختلاف نظر کشورها در موضوعات مختلفی همچون نظام‌های بازرسی و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات با موفقیت همراه نبود. کنفرانس خلع سلاح در سال ۱۹۹۶ شکست خود را در تهیه و ارائه متن مورد توافق کلیه کشورها پذیرفت. طرفداران اصلی معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای که اکثر کشورهای اروپایی و کشورهای حاشیه اقیانوس آرام بودند بدون توجه به شکست کنفرانس خلع سلاح، آخرین پیش‌نویس مطرح شده در آن کنفرانس را مستقیماً به مجمع عمومی ارائه کرده و در ده سپتامبر ۱۹۹۶ موفق به تصویب آن در مجمع عمومی با بیش از دو سوم آرای اعضا شدند (سجادپور و ظریف، ۱۳۹۳: ۶۱۰).

با وجود امضای معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای توسط ۱۸۵ کشور و تصویب آن از سوی نزدیک به ۱۵۰ کشور، این معاهده همچنان به دلیل عدم تصویب توسط کلیه کشورهای دارای توان هسته‌ای لازم‌الاجرا نشده است. معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای با شناسایی چهل و چهار کشور دارای سلاح هسته‌ای یا دارای توان بالقوه برای تولید سلاح، لازم‌الاجرا شدن معاهده را منوط به امضاء و تصویب معاهده توسط این کشورها کرده است. این کشورها شامل پنج کشور شناخته شده هسته‌ای، به همراه هند، پاکستان و اسرائیل هستند که به رغم بهره‌مندی از سلاح هسته‌ای از شناسایی بین‌المللی به عنوان کشور هسته‌ای برخوردار نیستند. همچنین، کشورهای دارای پیشرفتهای قابل توجه در حوزه فن‌آوری هسته‌ای که امکان انحراف فعالیت‌های صلح‌آمیز تنها به سمت سلاح هسته‌ای وجود دارد نیز از جمله کشورهای فوق‌الذکر محسوب می‌شوند. کشورهایی همچون آلمان، برزیل، آرژانتین، ژاپن و ایران جز این گروه هستند. نه (۹) کشور از چهل و چهار کشور فوق شامل آمریکا و جمهوری خلق چین به عنوان اعضای دارنده سلاح هسته‌ای هند، پاکستان،

کره شمالی و اسرائیل به عنوان دارندگان سلاح هسته‌ای خارج از معاهده عدم اشاعه هنوز معاهده را تصویب نکرده‌اند و برخی دیگر آن را امضاء نکردند (سجادپور و ظریف، ۱۳۹۳: ۶۱۰-۶۱۱). این معاهده هرگونه آزمایش هسته‌ای را ممنوع ساخته و در این زمینه سازوکار گسترده جهانی را به منظور راستی آزمایی ایجاد کرده است. این ساز و کار شامل بیش از ۳۳۷ مرکز در سراسر دنیا به منظور ثبت و شناسایی انفجارهای هسته‌ای و جداسازی آنها از سایر زمین لرزه‌های طبیعی و انفجارهای غیر هسته‌ای است. در کنار آن سازوکار قابل توجهی از قبیل نظارت در محل، راستی آزمایی و رسیدگی به اختلافات کشورها ایجاد شده است (سجادپور و ظریف، ۱۳۹۳: ۶۱۱).

### بند سیزدهم: خلع سلاح بعد از جنگ سرد در سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل متحد که مهمترین وظیفه‌ی آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، بعد از اتمام جنگ سرد توجه خود را بیشتر به موضوعات خلع سلاح و کنترل تسلیحات معطوف کرده است، که در مقایسه با دوران جنگ سرد، تحولی مهم به شمار می‌رود. با نگاهی به وفور بحران‌ها و جنگ‌های بین‌المللی بعد از جنگ سرد سازمان ملل یکی از علل گسترش بحران و ناتوانی در حل آنها را وجود سلاح در دست گروهها دانسته و کنترل و جمع آوری آن را یکی از زمینه‌های جلوگیری از بحران قلمداد کرده است. بعنوان مثال یکی از موانع حیاتی برای نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در هائیتی، روندا، سومالی و یوگسلاوی سابق موضوع گسترش سلاح‌ها در اختیار گروه‌های شبه نظامی بود. لذا برای مواجهه با این مسئله شورای امنیت بعد از جنگ سرد بطور گسترده به تشکیل هیات کارشناسان نظامی جهت تحریم‌های تکنولوژیک، ممنوعیت حقوقی و به کارگیری زور مبادرت ورزید. همچنین توانست شیوه‌های خلع سلاح تانک‌ها، نفربرها و دیگر تجهیزات نظامی تحت کنترل نیروهای سازمان ملل را توسعه دهد؛ همچنان که در بوسنی آشکار گردید این اقدام توانست از دسترسی دوباره نیروهای دشمن به این سلاح‌ها و به کارگیری آنها ممانعت نماید (ابرهیمی، ۱۳۸۰: ۵۹-۶۰).

جدا از این مسئله، دلمشغولی شورای امنیت در این برهه زمانی موضوع سلاح‌های هسته‌ای بود و این امر باعث شد که شورای امنیت مستقیماً به مسئله خلع سلاح و کنترل تسلیحات رسیدگی کند. نقطه عطف آن کشف برنامه عراق برای ساخت تسلیحات هسته‌ای بود. تشکیل کمیسیون ویژه در پی صدور قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت جهت تحقیق و بررسی توانایی هسته‌ای عراق، اتخاذ تدابیر لازم برای نابودی آن به دنبال صدور قطعنامه ۶۹۹ و نیز تدابیر تعیین شده در قطعنامه ۷۱۵ برای ایجاد نوعی نظام نظارت بر خریدهای تسلیحاتی عراق بیانگر آغاز جدیدی در فعالیتهای سازمان ملل در زمینه کنترل تسلیحات در دوران پس از جنگ سرد بود.

در این راستا در اعلامیه شورای امنیت در ژانویه ۱۹۹۱ تصریح شده بود که گسترش سلاح‌های هسته‌ای تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌الملل محسوب می‌شود، تحول و نقطه عطفی محسوب می‌شود (ابرهیمی، ۱۳۸۰: ۶۰). تجربه برخورد شورای امنیت با عراق شورای امنیت را بر آن داشت که در مورد تصمیم کره شمالی برای خروج از معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای رویه‌ای نسبتاً مشابه اتخاذ نماید. شورای امنیت بلافاصله بعد از سرپیچی کره شمالی به تصمیمات

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ابتدا در ۱۸ آوریل ۱۹۹۳ با صدور بیانیه‌ای ضمن تاکید به اهمیت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای از آژانس درخواست می‌نماید که به مشورت هایش با کره شمالی جهت حل و فصل موضوع ادامه دهد. شورای امنیت بار دیگر ضمن تصویب قطعنامه ۸۲۵ از کره شمالی خواست که موضوع خروج از معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای را مجدداً بررسی نماید. این قطعنامه از کره شمالی خواست که به تعهداتش به موجب معاهده عدم اشاعه و قرارداد ایمنی هسته‌ای منعقد با آژانس احترام بگذارد و از قطعنامه ۲۵ فوریه ۱۹۹۳ آژانس جهت بازرسی تبعیت نماید. این قطعنامه همچنین از مدیر کل آژانس می‌خواهد که با مشورت با پیونگ یانگ برای حل و فصل موضوع ادامه دهد و گزارشی را در این رابطه به شورای امنیت ارائه دهد (ابرهیمی، ۱۳۸۰: ۶۱). در واقع بحران کره شمالی و عراق و تصمیمات اتخاذی از سوی شورای امنیت حکایت از نقش برجسته شورای امنیت در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات بعد از دوران جنگ سرد دارد.

### بند چهاردهم: ارزیابی عملکرد سازمان ملل متحد پیرامون خلع سلاح و کنترل تسلیحات

بطور کلی در منشور سازمان ملل متحد برخلاف میثاق جامعه ملل، به طور ویژه به مسئله خلع سلاح پرداخته نشده و این به دلیل حاکم شدن تفکرات رئالیستی در صحنه بین‌الملل بوده است. زیرا رئالیست‌ها به جای آنکه به محدود کردن سلاح و حذف آنها به علت تهدید صلح و امنیت بین‌الملل بیندیشند؛ بیشتر به مسئله توازن و بازدارندگی فکر می‌کنند. از نظر این گروه شاخص اصلی افزایش قدرت کشورها در قالب افزایش توان نظامی و ایجاد قابلیت برای کشور به منظور استفاده موثر از این توان نظامی سنجیده می‌شود. از نظر ادیبی و واژه‌شناسی، منشور ملل متحد به خلع سلاح و تنظیم تسلیحات اشاره کرده و از این دید، مفهوم کنترل تسلیحات جایگاهی روشن در این منشور ندارد. با این حال، با تحلیل ادبیات منشور و واقعیات پس از اجرای آن و فعالیت سازمان ملل متحد خواهیم دید که خلع سلاح مورد نظر منشور چیزی جز « کنترل تسلیحات» نبوده و نیست.

چرا که اگر در پرتو مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی (برایند تلویحی) بتوان آرمان جهان‌عاری از سلاح را دنبال نمود، ولی منشور صراحتاً وجود حداقلی از تسلیحات را نه تنها قبول کرده و پذیرفته بلکه لازمه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی (یعنی هدف اصلی ملل متحد) دانسته است. بدین سان متاثر از فضای گفتمانی واقع‌گرایانه در دوران جنگ سرد در حوزه خلع سلاح هسته‌ای بدلیل رقابت شرق و غرب عمده طرح‌های آرمان‌گرایانه در این رابطه با شکست مواجه شد. بازتاب آن در معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نهفته است. این معاهده علی‌رغم موفقیت نسبی در منع انتقال سلاح‌های هسته‌ای، زمان دقیقی را برای خلع سلاح هسته‌ای پیش بینی نکرده است. همچنین فعالیت‌های معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای بعثت اختلافات بعضی از کشورها اجرا نشده است. جدا از موفقیت نسبی در ارتباط با کنوانسیون سلاح‌های میکروبی، مهمترین دستاورد سازمان ملل بعد از جنگ سرد تأسیس سازمان کنوانسیون جلوگیری از سلاح‌های شیمیایی بوده است. بر مبنای مقررات این نهاد نه تنها کاربرد سلاح شیمیایی منع شده بلکه نگهداری سلاح‌های شیمیایی توسط اعضا آن هم خلاف مقررات می‌باشد و در این راستا سازمان از طریق مکانیسم دقیق در قالب



بازرسی‌های اتهامی در کنار بازرسی عادی به نظارت می‌پردازد. همچنین با پایان جنگ سرد شورای امنیت نقش بیش تری در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات ایفا کرده است. تجلی این نقش در برخورد این نهاد با برنامه هسته‌ای کره شمالی و عراق نهفته است.

اما از منظر گروه دیگری از پژوهشگران روابط بین‌الملل، گفتمان بعد از دوران جنگ سرد بخصوص با اتفاقات پس از یازده سپتامبر و برخوردهای دوگانه شورای امنیت در ارتباط با پرونده هسته‌ای کره شمالی و کره جنوبی و عدم به نتیجه رسیدن موضوعات مهمی چون خلع سلاح هسته‌ای و معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، گسست گفتمانی را با گفتمان حاکم در دوران جنگ سرد یعنی واقع‌گرایی تجربه نمی‌کند. با این حال از منظر نگارنده این پژوهش با توجه به مقایسه تحولات در دو برهه زمانی قبل و بعد از جنگ سرد، گفتمان حاکم در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات از سنت میانه (گفتمان نولیبرالیسم) تبعیت می‌کند. در واقع علیرغم اهمیت منافع و قدرت ملی که تجلی آن در رفتارهای دوگانه شورای امنیت و قدرت‌های بزرگ در این حوزه مشهود است، هنجار و رفتاری در سطح بین‌المللی در حال تکوین و شکل‌گیری می‌باشد که در آنها نهادها و رژیم‌های بین‌المللی دولتی و غیر دولتی اهمیت در کنار سازمان ملل اهمیت می‌یابند. از آن گذشته با تجلی عینی پدیده جهانی شدن نهادهای غیردولتی در این زمینه خلع سلاح و کنترل تسلیحات گسترش یافتند. بعضی از این نهادها با اهمیت زدایی از سلاح‌های هسته‌ای بدلیل عدم استفاده آنان از زمان جنگ سرد تاکنون و با جلب کردن اذهان به سلاح‌های سبک و متعارف بدلیل کاربرد گسترده آنان در منازعات و نیز نقش آنان در افزایش خشونت به لایه‌ای دیگر از این موضوع توجه کردند.

### نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و پیشینه‌شناسی خلع سلاح و کنترل تسلیحات در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد. در این خصوص دو موضوع کلیدی تبارشناسی مفاهیم خلع سلاح و کنترل تسلیحات و نیز خلع سلاح و کنترل تسلیحات در عرصه روابط بین‌الملل بررسی شد. در موضوع اول در پاسخ به این سوال که چه تعاریف از مفاهیم خلع سلاح و کنترل تسلیحات وجود داشته توضیح داده شد که خلع سلاح و کنترل تسلیحات مصادیق خود را متأثر از گفتمان‌های متفاوت، گوناگون می‌جویند. در این رابطه ضمن طرح تعاریف متنوع و متکثر از این مفاهیم توسط آثار متنوع پژوهشی، به تعاریف مرسوم از آنان اشاره شد. در این بخش مفروض مهمی نهفته است که علاوه بر توضیح و تبیین خلع سلاح و کنترل تسلیحات، این دو موضوع به مثابه حوزه پژوهشی که نماینگر مفهوم امنیت می‌باشند- همانطور که در مقاله «رنالیسم و محدودیتهای آن پس از دوران جنگ سرد» اثر «مصطفی‌هالیت» به خلع سلاح به صورت یک حوزه پژوهشی و نه لزوماً در معنای اولیه آن نگریسته شده است - مفروض شده است.

سپس در بخش بعدی تبارشناسی و پیشینه شناسی مفاهیم خلع سلاح و کنترل تسلیحات در عرصه روابط بین‌الملل مورد ارزیابی قرار گرفت. نقطه تبارشناسی این موضوع به تبعیت از سایر پژوهشگران در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات، کنفرانسهای صلح لاهه گذاشته شد. سپس روندها، سازوکارها، توافق نامه‌ها و معاهدات پیرامون موضوع مزبور، ارزیابی شد. بدیهی است که در این رابطه موافقتنامه‌ها و مذاکرات زیادی انجام شده و نهادهای مختلفی تأسیس شده، لیکن با اهتمام به اینکه ذکر تمامی آنان از اهداف اصلی این پژوهش نیست و از سوی دیگر با توجه به این نکته که تجلی این موضوع عمدتاً در درون جامعه ملل و سازمان ملل بعنوان نهادهای اصلی صلح و امنیت بین‌الملل به وقوع پیوسته است، تحولات در درون این نهادها بررسی شد.

## منابع و مأخذ

### (۱) منابع فارسی

#### الف) کتب

۱. زندفر، فریدون (۱۳۷۷)، ایران و جامعه ملل، تهران، انتشارات شیرازه.
۲. ظریف، محمدجواد، سجادپور، محمدکاظم (۱۳۹۳)، دیپلماسی چندجانبه: پویایی مفهومی و کارکردی سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تهران، مرکز آموزش‌ها و پژوهش‌های بین‌المللی.
۳. مدنی، جلال‌الدین (۱۳۵۲)، خلع سلاح و سازمان ملل، تهران، چاپ خواندنیها.
۴. والترز، اف، پی (۱۳۸۲)، تاریخ جامعه ملل، ترجمه فریدون زندفر، تهران، سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

#### ب) مقالات

۱. ابراهیمی، شهروز (۱۳۸۰)، خلع سلاح و کنترل تسلیحات بعد از جنگ سرد، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۵، تابستان.
۲. بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۲)، جایگاه خلع سلاح و کنترل تسلیحات در تئوری‌های روابط بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۱، بهار.
۳. ساعد، نادر (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۹، زمستان.
۴. ساعد، نادر (۱۳۸۶)، تحلیل هنجارین رژیم کنترل فناوری موشکی و الزمات دفاعی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، شماره ۵۹.

۵. موسوی، علی (۱۳۸۱)، مسائل امنیت و خلع سلاح در جهان، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.

ج) پایان نامه ها

۱. بلوچی، حیدرعلی (۱۳۸۴)، «رژیم‌های کنترل سلاح‌های کشتار جمعی و منافع جمهوری اسلامی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

۲) منابع انگلیسی

**A) Books**

1. Morgenthau, H.J. (1985), *Politics Among Nations*, New York, Alfred Knopf
2. Spear, Joanna (1997), *Arms and Arms Control in World Politics and others* (Ed), *Issues in World Politics*, Macmillan Press.

**B) Articles**

Agrawal, Yash (2016), "what is MTCR and how can India benefit from it?" from <https://www.quora.com/what-is-MTCR-and-how-can-India-benefit-from-it>

**C) Documents**

UN and Disarmament, 1970: 64- 66

